

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیش‌گفتار
۲۱	مقدمه
۲۵	شیر زن
۲۷	در قلب ما بیدار
۲۸	عشق دوم
۲۹	اینجا قند می‌شکنی؟
۳۰	ابراز محبت
۳۱	عاشق بچه‌ها
۳۲	برای راحتی شما
۳۳	شادی در خانه

۳۴	.....	اوج مهربانی
۳۵	.....	لحظات شیرین
۳۶	.....	خیلی زخم را دوست دارم
۳۷	.....	بازدید خانوادگی
۳۸	.....	یک بشقاب پر از پاک‌ی
۳۹	.....	پرستار مادر و همسر
۴۰	.....	سه خاطره
۴۲	.....	ناراحت نمی‌شوی
۴۳	.....	صمیمی و مهربان
۴۵	.....	عکس من و ناصر
۴۷	.....	تکمیل ایمان
۴۸	.....	تا آسمان هفتم
۴۹	.....	نگذاشت متوجه بیماریش شود
۵۰	.....	انگیزه‌ی ازدواج
۵۱	.....	فراتر از مهر
۵۲	.....	خواستگاری
۵۵	.....	آخرین دیدار با پدر
۵۸	.....	منطقه‌ی جنگی
۶۰	.....	شما صبر کن!
۶۱	.....	یک شاخه گل سرخ
۶۷	.....	بوسه بر دستان مادر
۶۸	.....	نامه‌های یادگاری

۶۹	.....	صله‌ی رحم
۷۰	.....	یک دوست خوب
۷۱	.....	همراه همیشگی
۷۲	.....	کمک به همسر، حسنه‌ی اسلامی
۷۴	.....	راه عملی
۷۵	.....	مباهات
۷۶	.....	پیش‌قدم
۷۷	.....	نگران بی‌قراری فرزند
۷۸	.....	با ادب صدا می‌کرد
۷۹	.....	تنبیاری شده اینجا
۸۰	.....	می‌خواهم پیش شماها باشم
۸۴	.....	دوستی و احترام با پدر
۸۵	.....	نگران
۸۷	.....	اسیر که نیاوردم
۸۸	.....	جای پای پدر
۸۹	.....	امانت خدا
۹۲	.....	افتخار
۹۳	.....	نمی‌خواهم به او دستور بدهم
۹۵	.....	چشمهای گریان
۹۶	.....	صدای قدم‌ها
۹۸	.....	واسطه‌ی ازدواج
۹۹	.....	جبران

- ۱۰۱..... در نمی‌زنم، مبادا بیدار شوید!
- ۱۰۲..... مسافر کوچک
- ۱۰۴..... این دفعه نوبت من است
- ۱۰۶..... ستاره‌ی من
- ۱۰۸..... آشپزی
- ۱۰۹..... سفر حج
- ۱۱۰..... هزار صلوات
- ۱۱۱..... حلالم کن مادر
- ۱۱۲..... شرمنده‌ی مادر
- ۱۱۳..... خوشحالی پدر و مادر
- ۱۱۴..... غیر مستقیم
- ۱۱۵..... قول
- ۱۱۶..... سرمایه‌های زندگی
- ۱۱۷..... وقتی بیاید
- ۱۱۸..... عروسی بی‌نظیر
- ۱۲۰..... همه باید به زنهایشان کمک کنند
- ۱۲۱..... با همسران شهدا ازدواج کنید
- ۱۲۲..... عقد آسمانی
- ۱۲۴..... اجازه‌ی استثنایی
- ۱۲۵..... رضای خداوند
- ۱۲۸..... ۵۰۰ تومان هزینه‌ی مراسم ازدواج
- ۱۲۹..... یک دوره بحار الانوار

۱۳۰	حلقه‌ی صد و پنجاه تومانی.....
۱۳۲	گروه منصورون.....
۱۳۴	چیزی بهتر از قرآن پیدا نکردم.....
۱۳۵	آخر مهربانی.....
۱۳۶	در خانه.....
۱۳۷	کادوی داماد.....
۱۳۸	اجازه نمی‌داد آب در دلشان تکان بخورد!
۱۴۰	دست نوازش.....
۱۴۲	تحفه.....
۱۴۳	سعی در خوشحالی من و بچه‌ها.....
۱۴۴	قرار سر ساعت ۳.....
۱۴۶	پلاک طلا.....
۱۵۰	ساخت منزل.....
۱۵۱	لحظه‌های آخر.....
۱۵۲	با وساطت آقا، آتش‌بس شده!
۱۵۹	من پدرم را نشناختم.....
۱۶۱	یاد فداکاری‌های مادر.....
۱۶۳	صبوری با بچه‌ها.....
۱۶۴	دعای خیر مادر.....
۱۶۵	قدرشناس.....
۱۶۶	اشک خوشحالی.....
۱۶۷	حل مشکل خانواده.....

- ۱۷۰ ..... کارمان را درست کرد
- ۱۷۱ ..... خیالم راحتته
- ۱۷۲ ..... یادگارِ برادر
- ۱۷۳ ..... مونس تنهایی
- ۱۷۵ ..... به یاد بابا
- ۱۷۶ ..... تو قدمهای مرا محکم می‌کنی
- ۱۷۷ ..... تبسم زیبا
- ۱۷۸ ..... قرار ملاقات
- ۱۷۹ ..... هدیه‌ی متبرک
- ۱۸۰ ..... تشویق
- ۱۸۱ ..... دو تا جا نماز
- ۱۸۲ ..... با یک لیوان آب پرتقال
- ۱۸۴ ..... دائم مراقب من بود
- ۱۸۷ ..... گل و شیرینی
- ۱۹۱ ..... شناسایی نقاط قوت و قدرت
- ۱۹۶ ..... محبت به پدر و مادر
- ۱۹۷ ..... مؤدب در برابر پدر
- ۱۹۸ ..... صله‌ی ارحام
- ۱۹۹ ..... اخلاق در خانواده
- ۲۰۰ ..... خیلی دوستش داری؟
- ۲۰۳ ..... سرشان را از ته تراشید!
- ۲۰۵ ..... حالا می‌توانیم برویم!

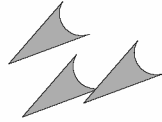
- ۲۰۷..... حساب مشترک
- ۲۰۹..... مُدل جبهه‌ای!
- ۲۱۱..... دنیال فرصت
- ۲۱۲..... تا پُشت در فرمانده بود.....
- ۲۱۴..... دست مادرم و مرا می‌بوسید!
- ۲۱۶..... من به مادرت قول دادم!.....
- ۲۱۸..... امشب به خاطر شما برگشتم.....
- ۲۲۱..... حالا شما امر کن.....
- ۲۲۲..... آرام و با گریه می‌گفت.....
- ۲۲۳..... همه کارها را خودش می‌کرد.....
- ۲۲۴..... گل‌های کوهی می‌آورد.....
- ۲۲۶..... دو برابر نگهبان بگیر!.....
- ۲۲۷..... ای مایه‌ی حیات.....
- ۲۲۹..... نصفه گلایی.....
- ۲۳۲..... ایراد نمی‌گرفت.....
- ۲۳۴..... با هم عکس انداختیم.....
- ۲۳۵..... مگر همسرت حقی ندارد؟.....
- ۲۳۶..... بیشتر از معنای دوست داشتن.....
- ۲۳۷..... اولین هدیه‌ی چمران.....
- ۲۳۸..... ابراهیم در راه گریه می‌کرد.....
- ۲۴۱..... علیاً مخدره!.....
- ۲۴۲..... هول شده بود.....

- ۲۴۴.....در برابرم به قامت می ایستاد.....
- ۲۴۶.....دوستت دارم.....
- ۲۴۸.....به یاد مادر بچه‌ها!.....
- ۲۵۰.....هر طور خودت دوست داری.....
- ۲۵۱.....لب به گلایه باز نمی‌کرد.....
- ۲۵۲.....سهم عیال.....
- ۲۵۳.....جنگ را می گذاشت پشت در.....
- ۲۵۵.....از عشق تا کلمه‌ی بی‌نهایت.....
- ۲۵۶.....وقتی آن مرد بزرگ می آمد.....
- ۲۵۸.....همیشه با تبسم.....
- ۲۵۹.....مسابقه در الگوپذیری و نیکوکاری.....
- ۲۶۰.....راه برو نگاهت کنم.....
- ۲۶۲.....باز کنید لطفاً.....
- ۲۶۳.....در بدترین روزها، با هم خوش بودیم.....
- ۲۶۴.....چه قدر خرید کردی؟!.....
- ۲۶۶.....یک سبد بزرگ گل.....
- ۲۶۸.....از کارهایش لذت می بردم.....
- ۲۷۰.....زیر باران منتظر من بود!.....
- ۲۷۲.....دلَم می خواست.....
- ۲۷۵.....متبسم.....
- ۲۷۶.....رسیدگی به خواهران.....
- ۲۷۸.....برو خانواده‌ات را بیاور.....



- ۲۸۰ ..... پایش را دراز نمی‌کرد.....
- ۲۸۱ ..... چه‌طوری شدم؟.....
- ۲۸۵ ..... فقط برسید: کجایی.....
- ۲۸۶ ..... خودش را لوس می‌کرد.....
- ۲۸۸ ..... فکر کردم برایت سخت باشد.....
- ۲۸۹ ..... بچه‌ها خیلی خوشحال شدند.....
- ۲۹۱ ..... خاطرات سفر.....
- ۲۹۳ ..... می‌خواهم ببینمت.....
- ۲۹۵ ..... تدارکات منزل!.....
- ۲۹۷ ..... خدا کنه از من راضی باشی.....
- ۳۰۰ ..... خرس چشم‌کنده!.....
- ۳۰۲ ..... پس چرا راننده‌ی زن‌ها می‌شوی؟.....
- ۳۰۴ ..... باید ناز خانم‌ها را کشید.....
- ۳۰۵ ..... خودمان ماشین می‌سازیم.....
- ۳۰۷ ..... هرگز نمی‌گفت اینها بچه هستند.....
- ۳۰۸ ..... حقوق خانواده و کودک.....
- ۳۰۹ ..... مادرم به او علاقمند شد.....
- ۳۱۰ ..... مرتب نامه می‌نوشت.....
- ۳۱۱ ..... پیش شما، فرمانده نیستم.....
- ۳۱۳ ..... بنزین من تمون شد نه موتور!.....
- ۳۱۵ ..... هدیه‌ی سالگرد ازدواج.....
- ۳۱۶ ..... قول می‌دهم صدام را بکشم!.....

۳۱۸.....	امروز دوتایی ناهار بخوریم.....
۳۲۰.....	خوش سفر.....
۳۲۲.....	اسمش کوکوی یوسفه!.....
۳۲۵.....	منابع.....



### پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ**.  
با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی‌مرا‌یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴۵)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا گذاشتن بر روی کفش طلاب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوهٌ حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مربیان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان - به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی - کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند.

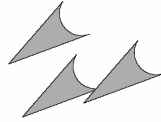
سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف‌چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد. سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانسته و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند. و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه خوردند، در از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند. و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان. امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حق تعالی و شهدای عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت







### مقدمه

خانواده، اگر چه کوچکترین واحد جامعه است، لیکن اثرگذاری آن در جامعه قابل مقایسه با هیچ مؤثر دیگری نیست. خانواده، یعنی ریشه و اساس جامعه. خانواده یعنی محل آرامش و تربیت. خانواده یعنی کانون محبت و مودت. خانواده یعنی جایگاه همفکری و هماهنگی. خانواده یعنی معبر انتقال سنت‌ها و ارزشها. خانواده یعنی بستر انسان‌سازی و رشد.

و من آیاته أن خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودّةً و رحمةً (۱).

خداوند، تشکیل خانواده را از نشانه‌های مهم خود می‌داند. زنی که از جنس مرد است، با هم زندگی مشترکی را تشکیل می‌دهند و حقوقی مابین آنان حکمفرما می‌شود. این خانه محل آرامش، مودت

و رحمت است بین اهالی آن که زن و شوهر به همراه فرزندان، اهالی یک خانواده هستند. نیکی به پدر و مادر، خوش بیانی و رفتار خوش با آنان، مهربانی و همکاری با همسر در امور خانه، رسیدگی به درس و دیانت فرزندان، ادای حقوق والدین و صله‌ی رحم با خویشاوندان، از جمله دستوراتی است که برای این حلقه‌ی سرنوشت‌ساز و اثرگذار، صادر شده است تا کانون مهر و محبت و عاطفه و رشد و کمال، محقق شود.

رزمندگان، اگر چه گروه زیادی از آنان، در سنین نوجوانی و جوانی، قبل از ازدواج، به حضور حق تعالی بار یافتند، اما آن تعداد که توفیق عمل به سنت رسول خدا را یافتند، با همه‌ی وجود در خدمت خانواده بودند و احساس محبت و صفا و همیاری با همسر و فرزندان در وجودشان بود. اگر فرصت می‌یافتند و تکلیف را در مرخصی و آمدن به خانواده می‌دیدند، درنگ نمی‌کردند، می‌آمدند و به همسرشان خسته‌نباشید می‌گفتند؛ در کارهای خانه، یاریشان می‌کردند؛ لبخند بر لبانشان و محبت در دلشان موج می‌زد؛ با بچه‌هایشان بازی می‌کردند؛ به درس و مشقشان می‌رسیدند؛ به بستگان سری می‌زدند؛ پدر و مادرشان، خواهران و برادرانشان را احترام می‌کردند و به امورشان رسیدگی می‌نمودند. اگر خانواده تشکیل نداده بودند، هم کار می‌کردند و در تأمین هزینه‌های زندگی یار پدر و مادرشان بودند و هم درس می‌خواندند و هم در جهاد، در صف اوّل قرار داشتند.

اینها توصیف و اغراق نیست. آنان که به حق می‌اندیشیدند و جوار

رحمتش را می‌جستند، راه آن را در انجام وظیفه و اطاعت امر خدا می‌دانستند و خداوند آنان را به محبت، احسان و فروتنی در برابر خانواده، دستور داده بود. روحشان لطیف بود، بهمان اندازه که در جهاد با دشمن سرسخت و جدی بودند. این از خصوصیات مؤمن و متقی است. با خودی مهربانی، با دشمن سرسختی. این بُعد از زندگی رزمندگان که جلوه‌هایی از لطافت و ظرافت روحی و تعادل رفتاری و عاطفه‌ی جوشان است، کمتر آشکار شده است. ورق می‌زنیم بخشی از این احساس و عاطفه را به این امید که بیاموزیم و تأمل کنیم در خود، که در این بُعد نیز راه شهیدان را باید پاسداشت و پیمود.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت